

دوتا ۳۱۳	بررسی کتاب مقدس / ۵۹
	رومیان ۶: ۱-۱۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس ، دو معلم ، کار بررسی را از رومیان ۶: ۱-۱۱ انجام خواهند داد.

رومیان ۱: ۱۶ می فرماید که انجیل "قدرت خدا است برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند". رومیان فصلهای ۳ تا ۵ درباره "قدرت خدا برای نجات یا عادل گرداندن" افرادی که به مسیح ایمان بیاورند تعلیم می دهد. رومیان فصل ۶ درباره "قدرت خدا برای مقدس گرداندن ایماندار به مسیح" تعلیم می دهد. رومیان ۵ درباره "وضعیت قانونی" فرد مسیحی ، یعنی عادل شمرده شدن او که یکبار و برای همیشه اتفاق افتاده سخن می گوید ، اما رومیان ۶ درباره فرایند تقدیس چیزی نمی گوید ، بلکه درباره "وضعیت اخلاقی" فرد مسیحی سخن می گوید ، بدین ترتیب که او یکبار و برای همیشه مقدس گردیده است. رومیان ۶: ۱-۱۰ آشکارکننده آموزه هایی است درباره "آنچه که باید بدانها ایمان داشت" ، درحالی که رومیان ۶: ۱۱ نصیحتی است برای "روش چگونه زیستن".

### (S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان ۱: ۱-۱۷ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید ، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به خاطر کمبود وقت ، لطفاً رومیان ۶: ۱-۱۱ را بعداً بخوانید.

### (T) قدم دوم. کشف کنید

برخی حقایق مهم را از رومیان ۱: ۱-۱۷ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه ، به نوبت ، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۶: ۱-۷ است. "پولس دلیل می آورد که به چه علت ادامه زندگی در گناه برای مسیحیان غیرممکن است". در روم ، گروهی بنام "شریعت گرا" به نادرست تعلیم می دادند که انسان با انجام اعمال شریعت عادل می گردد. گروهی مخالف بنام "مخالفان شریعت" ( Antinomians ) به نادرست تعلیم دادند که هر انسانی که عادل شمرده شده ، به هیچ وجه نیاز ندارد تا بر اساس شریعت زندگی کند؛ بلکه حتی آزاد است در گناه زندگی کند. پولس رسول هر دو این تعالیم غلط را مردود اعلام کرد. پولس در مخالفت با شریعت گراها ، تعلیم داد که انسان نه بر اثر انجام اعمال شریعت ، بلکه تنها بر اثر فیضی نجات می یابد که از طریق ایمان به عیسی مسیح عمل می کند. او در ضدیت با "مخالفان شریعت" تعلیم داد هر که بر اثر فیض و از طریق ایمان عادل گشته است ، همچنان باید بر اساس شریعت زندگی کند. او باید زندگی جدید و مقدسی را در پیش بگیرد. پولس تعلیم داد هر چند شریعت "طریق" نجات نیست ، اما "معیاری" است که انسانهای نجات یافته باید بر اساس آن زندگی کنند.

اول. "رومیان ۶: ۱-۲ تعلیم می دهد آموزه "مخالفان شریعت" یک تناقض است. پولس می فرماید این باوری تناقض آمیز است اگر تصور کنیم کسی بتواند برای رستگار شدن از گناه نزد مسیح برود تا بعد بتواند به زندگی گناه آلود خود ادامه دهد.

دوم. "رومیان ۶: ۳-۴ تعلیم می دهد که انسان مسیحی با مرگ مسیح متحد شده است و بنابراین نسبت به نیروی گناه مرده است". پولس در استدلال خود به موضوع تعمید در مسیحیت اشاره می کند. او می فرماید آن عده ای که در مسیح تعمید یافته اند ، با مسیح در مرگ او متحد شده اند. بنابراین ، مسیح "بخاطر گناه مرد" ، درحالی که مسیحیان "نسبت به گناهان مردند". این گسستن از گناه که یکبار و برای همیشه اتفاق افتاد ، هویت مسیحیان را شکل می دهد. در نظر مسیحیان ، رهایی از گناه تنها به معنای نجات از "مجازات" گناه نیست ، بلکه رهایی از "نیروی" گناه است. مسیحیان نه تنها عادل می گردند ، بلکه تقدیس نیز می شوند. هر که در اتحاد با مسیح باشد نسبت به نیروی گناه مرده است. او دیگر بنده گناه نیست. بنابراین هرگاه کسی مسیحی بشود ، دیگر نمی تواند در گناه زندگی کند. و به همین ترتیب نیز ، اگر کسی به زندگی در گناه ادامه دهد ، نمی تواند مسیحی باشد.

سوم. "رومیان ۶: ۵-۷ تعلیم می دهد مسیحیان در اتحاد با قیام مسیح بسر می برند و بنابراین اگر بخواهند می توانند زندگی تازه ای را در پیش بگیرند". پولس در استدلال خود به موضوع قیام مسیح از میان مردگان رجوع می کند. او می فرماید انسانهایی که در مرگ مسیح با او متحد شده اند ، در قیام مسیح از میان مردگان نیز با او در اتحاد خواهند بود. "رابطه ای علت و معلولی" بین مرگ و قیام وجود دارد. همانگونه که پیامد مرگ مسیح ، برخاستن از میان مردگان بود ، به همین ترتیب پیامدهای مشخص در زندگی ایماندارانی که نسبت به گناه می میرد ، عبارت است از یک زندگی جدید و مقدس. مرگ و قیام عیسی مسیح موجب فراهم آمدن قطعی "وضعیت عادل شمرده شدن قانونی" و وضعیت تقدیس اخلاقی" در زندگی ایماندار می گردد. هر مسیحی در مرگ مسیح شراکت دارد تا بتواند در حیات مسیح نیز شراکت داشته باشد. مسیحیان نمی توانند از مزیت هایی که مرگ مسیح به

همراه آورد بهرمنند گردند مگر آنکه در قوت حیات قیام کرده مسیح نیز سهیم باشند. "در کتاب مقدس عادل شمردگی و تقدیس دو جزء تفکیکناپذیر هستند."

(T) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۶: ۸-۱۱ است. "پولس درباره متحول شدن حتمی مسیحیان دلیل می آورد". در این قسمت، پولس به نتیجه گیری استدلال خود می پردازد. مسیحی در طول تاریخ، یکبار و برای همیشه جان داد و مرگ او دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد. اینک او در ذات انسانی خود که از میان مردگان برخاسته است، در وقف به خدا زیست می کند. به همین ترتیب، هر شخص مسیحی نیز در طول تاریخ زندگیش، یکبار و برای همیشه نسبت به نیروی گناه مرد و اینک قادر به زیستن حیاتی است که وقف خدا باشد. "جدایی مسیحیان از نیروی گناه، قطعی است و قدرت آنها برای در پیش گرفتن حیاتی که وقف خدا باشد، امری است حتمی". این واقعه سرنوشت ساز تاریخی که یکبار و برای همیشه اتفاق افتاد، یعنی تجربه "مردن با مسیح"، نشان می دهد که "مردن بودن نسبت به نیروی گناه"، وضعیت یا حالتی ماندگار است. به همین ترتیب، واقعه سرنوشت ساز تاریخی که یکبار و برای همیشه اتفاق افتاد، یعنی "برخاستن با مسیح" نشان می دهد که "زنده بودن ما نسبت خدا" نیز وضعیت و حالتی ماندگار است. حیات ما بعنوان مسیحیان دیگر تحت تسلط گناه نیست یا بوسیله آن شکل نمی گیرد تا بتواند ما را محکوم و ناپاک بسازد یا ما را بنده خویش بسازد. از این پس، طبیعت کهنه گناه یا اعمال گناه آلودی که بوسیله بدنهای جسمانی خود انجام می دهیم دیگر نمی توانند ما را تحت تسلط خود قرار دهند یا به زندگی ما شکل بدهند. این "وضعیت" مردن نسبت به نیروی گناه و توانایی زیستن این زندگی جدید در اطاعت کردن از مسیح، "تقدیس" نامیده می شود.

گناهای که در آینده مرتکب خواهیم شد باعث از بین رفتن حالت ماندگار تقدیس نخواهد شد. همانگونه که مرگ و قیام مسیح تجربه ای بود که یکبار و برای همیشه برای او اتفاق افتاد، به همین ترتیب، هنگامی که به عیسی مسیح ایمان می آوریم، عادل شمردگی و تقدیس ما نیز تجربه ای است که یکبار و برای همیشه برایمان اتفاق می افتد. در رومیان ۶: ۱۱ پولس دستور داده، می گوید: "شما هم طبیعت کهنه و گناهکار خود را برای گناه مرده بدانید، اما بوسیله عیسی مسیح خود را برای خدا زنده تصور کنید". در وهله نخست توجه داشته باشید که به ما دستور داده نشده تا نسبت به گناه "بمیریم" یا برای خدا زنده شویم، زیرا از پیش چنین فرض شده که "ما هم اکنون نسبت به گناه مرده ایم" و "هم اکنون نیز برای خدا زنده هستیم". در وهله دوم دقت کنید که باور داشتن به چیزی، یا واقعی قلمداد کردن آن باعث نمی گردد تا چیزی به "واقعیت" مبدل گردد، زیرا اعلام گردیده که "هم اکنون اینها واقعی هستند". هم اکنون، اتحاد روحانی ما با مرگ و قیام مسیح یک واقعیت است. بنابراین عادل شمردگی و مقدس گردیدن ما نیز هم اکنون یک واقعیت است که بر اساس آن نسبت به قدرت گناه مرده ایم و اینک توانایی داریم تا زندگی جدید و مقدسی را برای خدا در پیش بگیریم. پولس به ما دستور می دهد تا به این واقعیت هایی که هم اکنون وجود دارند "ایمان داشته باشیم" و ارزش این واقعیت ها را بدانیم.

### (S) قدم سوم. سؤال کنید

بیابید تمام حقایق موجود در رومیان ۶: ۱-۱۱ را درک کنیم و سؤالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده ایم، مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتتان بنویسید. سپس راجع به سؤالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. سؤال اول. (۶: ۱ و ۱۴) "آن عده از افرادی که باور داشتند مسیحیان اجازه داشتند به زندگی گناه آلود ادامه بدهند چه کسانی بودند؟"

(T) رومیان ۵ با این اظهار پایان یافت: "شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود. لکن جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی نهایت افزون گردید" (۵: ۲۰ ترجمه قدیمی). گروه خاصی از مردم بر اساس این گفتار، تعلیم نادرستی را ارائه دادند. آنها به غلط تعلیم می دادند که "خدا با این هدف شریعت را بخشید تا مردم بیشتر مرتکب گناه شوند". و آنها به نادرست تعلیم می دادند که "انسان هر چه بیشتر گناه کند، خدا بواسطه تجلی فیض بیشتر جلال می یابد". بنابراین نتیجه گیری می کردند که باید انسان را هر چه بیشتر ترغیب به ارتکاب گناه کرد. می گفتند: "بیابید به گناه ادامه دهیم، تا فیض خدا افزون گردد." نادرست بودن این تعلیم بسیار واضح است. آن عده از افرادی که آموزه کتاب مقدسی فیض را مورد تحریف قرار دادند، به "مخالفتان شریعت" (Antinomians) شهرت دارند.

یک. "مخالفتان شریعت" بر کار خدا تأکید می ورزیدند اما مسؤولیت انسانی را نادیده گرفتند. تأکید آنها بر کار تمام شده مسیح بود که لزوم یافتن تولد تازه، و عادل و مقدس شدن را رد کردند. اگر چه صحیح است که مسیح نجات کامل را برای مسیحیان "بدهست آورد"، اما باور نادرست آنها این بود که مسیحیان برای نجات خویش لازم نیست کاری انجام دهند.

یو. "تأکید مخالفتان شریعت بر فیض خدا آنقدر زیاد بود که شریعت را رد می کردند". باور نادرست آنها این بود که مسیحیان فقط و فقط "زیر فیض" قرار دارند و بنابراین هیچ کاری با شریعت ندارند. آنها به نادرست تعلیم می دادند که انجام اعمال نیکی که احکام شریعت دستور داده است، برای مسیحیان الزامی نیست. آنها به اشتباه تعلیم می دادند چنانچه مسیحیان مرتکب اعمال ناپاکی شوند که احکام شریعت آن را منع کرده، گناهان

ایشان با لطف و فیض خدا نادیده گرفته خواهند شد. مخالفان شریعت این باور نادرست را داشتند که تمام اعمال شریانه‌ای که مسیحیان مرتکب می‌شوند به "طبیعت کهنه" تعلق دارند، یعنی آن بخش از وجود انسان که قرار نبود وارث نجات باشد و بنابراین اهمیت ندارد. بحث پولس علیه تحریفی که مخالفان شریعت در خصوص آموزه فیض صورت داده بودند این بود که "دریافت کردن" نجاتی که توسط عیسی مسیح صورت می‌گیرد باعث حذف شدن "کاربرد" این نجات توسط عیسی مسیح نمی‌گردد. بله، این عیسی مسیح بود که بوسیله مرگ و قربانی خود بر روی صلیب، "شایستگی" فراهم ساختن نجات را پیدا کرد. با وجود این، عیسی مسیح بواسطه روح القدس، از طریق تولد دوباره، متبدل گشتن و ایمان آوردن به پیام انجیل، و همینطور با اطاعت از احکام اخلاقی، این نجات را در مورد انسانها "بکار می‌بندد". بحث پولس این است که عادل‌شمردگی هیچگاه مستقل و جدا از مقدس بودن نیست. "وضعیت قانونی" در عادل‌شمردگی، و "وضعیت اخلاقی" در تقدیس، بطور تفکیک‌ناپذیر به هم تعلق دارند. آنکه در امتیازاتی که مرگ مسیح به همراه آورد سهیم گردد، در امتیازاتی که قیام مسیح از میان مردگان نیز به همراه آورد، سهیم می‌گردد. "عادل‌شمردگی یا نجات، هیچگاه نمی‌تواند جدا از زندگی تازه و مقدس باشند."

سؤال دوم. (٦: ٣-٤) "معنی تعمید در مسیحیت چیست؟"

(S) بر اساس رومیان ٦: ٣، "تعمید یافتن در مسیح" نشانه "در اتحاد قرار گرفتن با مسیح"، "مشارکت داشتن با مسیح" و "شراکت در تمام امتیازهایی است که در مسیح داریم". خود تعمید باعث اینها نمی‌گردد، بلکه تنها به مثابه "نشانه" وجود این واقعیت‌ها است. در رومیان ٦ تعمید بطور خاص نشانگر قرارگیری در اتحاد با مرگ مسیح و شریک شدن در تمام امتیازهایی است که مرگ او به همراه داشت. تعمید یافتن در مسیح نشانه قرارگیری در اتحاد با مسیح در تمامیت وجود او، و تمامی مراحل نقش او در مقام واسط و میانجی ما است. اتحاد با عیسی مسیح نمی‌تواند از اتحاد با کار تکمیل شده او جدا باشد. و اتحاد با مرگ او نمی‌تواند از اتحاد در قیام او جدا باشد.

رومیان ٦: ٣-٤ و کولسیان ٢: ١٢ تعلیم می‌دهند که مسیحیانی که "در عیسی مسیح تعمید یافتند"، در "مرگ او تعمید یافتند". دفن شدن آنان به همراه مسیح و واقعیت مرگ آنها را ثابت می‌کند. در تجربه تولد تازه، این روح القدس است که "سبب می‌گردد" تا با مرگ و قیام مسیح در اتحاد روحانی قرار بگیریم، در حالیکه تعمید، "نشانگر" اتحاد روحانی ایماندار، با مرگ و قیام مسیح است. زمان افعال در رومیان ٦: ٣-٤ نشان می‌دهند که مسیحیان در تاریخ گذشته خود، یکبار و برای همیشه از نظر روحانی مرده اند و دفن شده بودند. آنها بطور دائم از قلمرو گناه، دنیای گناه‌آلود و قلمرو پادشاهی شیطان دور شده‌اند، درست همانگونه که جسد شخص مرده در قبر خود از حیات دور مانده است. بنابراین گناهان ایشان یکبار و برای همیشه آمرزیده شده است و عادل گشته‌اند. زمان افعال در رومیان ٦: ٥ نشان می‌دهند که این آمرزش گناهان و عادل‌شمردگی، واقعیتی است که در زمان حال نیز استمرار دارد.

رومیان ٦: ٥ تعلیم می‌دهد که مسیحیان یقیناً در اتحاد با قیام مسیح قرار خواهند گرفت. در اینجا قیام مسیح قبل از هر چیز به حیات قیام‌کرده زندگی فعلی اشاره دارد و در وهله دوم به برخاستن جسم از مرگ در زمان آینده. استدلال رومیان ٦: ٥ این است که اتحاد نزدیک روحانی با مرگ و دفن شدن مسیح نمی‌تواند از اتحاد تنگاتنگ روحانی با قیام او جدا باشد. "مسیحیان با ایمان آوردن به عیسی مسیح، با مرگ و دفن شدن مسیح در اتحاد تنگاتنگی قرار گرفته‌اند و این منتج شد به عادل‌شمردگی آنان. به همین ترتیب، مسیحیان با ایمان آوردن به عیسی مسیح یقیناً با قیام مسیح در اتحاد تنگاتنگ قرار گرفته‌اند و این منتج شد به تقدیس آنان." "مرگ مسیح بعنوان قربانی کفاره گناهان، برای عادل‌شمردگی لازم و محتوم بود. به همین ترتیب، حیات قیام کرده مسیح برای مقدس شدن لازم و محتوم است. زندگی مقدس مسیحیان در همین دنیا هر چه بیشتر بصورت مسیح شکل "خواهد گرفت". و بالاخره مسیحیان در حیات بعدی که زندگی پر جلال و فناپذیر برای روح و جسم خواهد بود، بطور کامل بصورت مسیح متبدل خواهند گردید. تمام موضوع بحث رومیان ٦ درباره ارتباط ضروری است که بین وضعیت عادل‌شمردگی و وضعیت تقدیس می‌تواند وجود داشته باشد.

سؤال سوم. (٦: ٦) "چه تفاوتی بین "انسانیت کهنه" و "انسانیت تازه" وجود دارد؟"

(T) مسیحیان باید بتوانند اصطلاحات "انسانیت کهنه"، "طبیعت گناهکار" و "انسانیت ظاهری" را از هم تشخیص دهند.

یک. "انسانیت کهنه بطور قطع مرده است، و انسانیت تازه بطور قطع وجود دارد". بر اساس رومیان ٦: ٦، "انسانیت کهنه نماینده ذات تولد تازه نیافته انسانها است". انسانیت کهنه ذات طبیعی انسانیتی است که بطور داوطلبانه انتخاب کرده تا بنده طبیعت گناهکار خود باشد (رومیان ٦: ١٦) و پس از این بطور کامل تحت تسلط طبیعت گناهکار خود قرار دارد (رومیان ٨: ٦-٨). هنگام ایمان آوردن به عیسی مسیح، طبیعت کهنه و تولد تازه نیافته یکبار و برای همیشه مصلوب می‌شود (غلاطیان ٢: ٢٠). بر اساس افسسیان ٤: ٢٢، طبیعت کهنه و تولد تازه نیافته یکبار و برای همیشه کنار نهاده می‌شود. "انسانیت تازه نماینده طبیعت تولد تازه یافته مسیحیان است". بر اساس افسسیان ٤: ٢٤ (افسسیان ٢: ١٥)، طبیعت تازه تولد یافته یکبار و برای همیشه پوشیده شده است.

بر اساس کولسیان ۳: ۹-۱۰، با در بر کردن انسانیت تازه، انسانیت کهنه بیرون کرده می‌شود. این دو، همزمان نمی‌توانند در کنار هم وجود داشته باشند.

یو. "با این حال، انسانیت تازه هنوز طبیعت گناهکار را در خود دارد." "غیرمسیحیان از قدرت بندگی و سلطه کامل طبیعت گناهکار رها نیستند." اما بر اساس رومیان ۶: ۷ و ۷: ۱۸ و ۸: ۲، "مسیحیان اگر چه یکبار و برای همیشه از قدرت بندگی و سلطه کامل طبیعت گناهکار نجات یافته‌اند، اما 'طبیعت گناهکار' همچنان بصورت نیرویی حاضر و نیرومند در زندگی آنان حضور دارد." بر اساس رومیان ۶: ۱۳ و ۱۹ و غلاطیان ۵: ۱۶-۲۳، طبیعت گناهکار با روح القدس که در انسانیت تازه ساکن است در تنش و نزاع مستمر قرار دارد. بر اساس رومیان ۸: ۹ و ۱۳، مسیحیان راستین، بارها و بارها تصمیم می‌گیرند تا تحت تسلط روح القدس قرار داشته باشند و نه تحت تسلط طبیعت گناهکار خود. بر اساس رومیان ۱۲: ۱-۲، انسانیت تازه بطور مستمر در حال رشد است. انسانیت تازه، بارها و بارها در برابر همشکل شدن با دنیای گناهکار مقاومت می‌ورزد. بارها و بارها تصمیم می‌گیرد تا به شباهت مسیح متبدل گردد. معیار و هدف این تازه شدن مستمر، خود مسیح و در آمدن به شباهت او است. بر اساس کولسیان ۳: ۱۰، انسانیت تازه بطور مستمر در حال تازه شدن است تا اینکه "بصورت خدا" دربیاید.

سه. "انسانیت تازه را می‌توان بصورت انسانیت ظاهری و انسانیت باطنی تشخیص داد." "ظاهر بیرونی انسانیت تازه، 'انسانیت ظاهری'، و باطن او، انسانیت باطنی نامیده می‌شود." دوم قرنیتیان ۴: ۱۶ می‌فرماید هر چند انسانیت ظاهری ما تحلیل می‌رود، اما انسانیت باطنی ما روز بروز تازه می‌گردد. انسانیت ظاهری، ظرف خاکی (دوم قرنیتیان ۴: ۷)، و جسد فانی است (دوم قرنیتیان ۴: ۱۰-۱۱)، و منظور، انسانیت کهنه که تولد تازه را نیافته است، نیست. بلکه منظور، تمامیت ساختار انسانی به همراه همه توانایی‌ها و نیروهای آن اعم از توانایی‌ها و نیروهای ذهنی و عضلانی، ادراکی و عمل‌کننده است که در حال تحلیل رفتن است و به سوی قبر روانه است. بکار بردن فعل زمان حال، نشان‌دهنده ثابت و تغییرناپذیر بودن فرایند فساد است. انسانیت ظاهری، انسانیت تازه‌ای است که بطور ظاهری عیان و آشکار است و برای دیگر هموعان دیدنی و قابل‌رویت است. انسانیت باطنی، قلب مسیحی است که خدا در آن می‌درخشد و از طریق مسیح به او معرفت راستین و تجربی از جلال خدا می‌بخشد (دوم قرنیتیان ۴: ۶). انسانیت باطنی، قلب مسیحی است که در آن روح القدس بعنوان بیعانه تحقق تمام وعده‌های خدا در آن ساکن است (دوم قرنیتیان ۱: ۲۲ و ۵: ۵). در همین‌جا است که روح القدس، اصول زندگی تازه را نهاده است. و در همین‌جا است که روح القدس، تأثیر سلطه‌گر خود را اعمال می‌کند. در همین‌جا است که روح القدس، این قدرت را عطا می‌کند تا در فضیلت‌های مسیحی رشد کنیم (افسسیان ۳: ۱۶-۱۷). انسانیت باطنی، همان انسانیت تازه است که از دید مردم جهان پنهان است و در اختیار آنان قرار ندارد تا بتوانند آن را مورد تحلیل قرار بدهند. پس از تجربه تولد تازه، مسیحی، چه در ظاهر و چه در باطن، همچنان دارای شخصیتی تفکیک‌ناپذیر است. پولس در اینجا درباره واقعیت بزرگی در مسیحیت سخن می‌گوید، اینکه فساد ظاهری و قابل‌رویت انسان که هر روز فرا می‌رسد، با تجربه تازه شدن روز بروز باطنی همراه است.

#### (S) قدمهای چهارم و پنجم. کاربرد و دعا

پس از تبادل نظر با یکدیگر و تهیه فهرستی از "کاربردهای امکان پذیر"، به این فکر کنید که خدا می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را به "کاربردهای شخصی" برای خودتان تبدیل کنید. بیایید به نوبت، در مورد یک حقیقت که خدا از رومیان ۶: ۱-۱۱ به ما آموخته، دعا کنیم. می‌خواهم خود را نسبت به قدرت گناه مرده، و نسبت به خدا زنده ببینم. در این واقعیت شاد هستم که قدرت مطلق طبیعت گناهکار در من در هم شکسته است و اینک از بندگی دایمی گناه آزاد شده‌ام. می‌خواهم این واقعیت را به یاد داشته باشم که اینک نسبت به خدا زنده هستم و "باید" زندگی تازه و مقدسی را در پیش بگیرم و مصر هستم این کار را انجام بدهم و خواهم داد.

(T) می‌خواهم به یاد داشته باشم که مسیحیان نه تنها از مزیت‌هایی که مرگ مسیح به همراه آورد بهره‌مند هستند، بلکه در تمام مزیت‌هایی که قیام او از میان مردگان نیز به همراه آورد شریک می‌باشند. در نتیجه مرگ روحانی من با مسیح، قدرت مطلق طبیعت گناهکارم در هم شکسته شد. بر اساس رومیان ۶: ۷، طبیعت گناهکار من هم‌اکنون محکوم به مرگ است و در طول حیاتم داوری در حال اجرا شدن است. از طریق کار روح القدس در من، قدرت طبیعت گناهکارم بارها و بارها در هم شکسته می‌شود و این توانایی به من داده می‌شود تا زندگی تازه و مقدسی را در پیش بگیرم.

#### (S) تکلیف برای هفته آینده

اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۶ آیات ۱۲ تا ۲۳، آماده کنید. دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم .... سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.